

آزادی تسلیم و بیان

اجتماع بی قلم و پر شمشیر و بیانی شمشیر و پر قلم و یاهر دو
در کنار هم و به اتکای هم ؟

از مظاهر مهم بیان افکار «نوشتن» است هر کس می تواند با نوشتن و قلم، دیگران را از افکار خود مطلع سازد و افکارش را ثابت در تاریخ برای آیندگان بیادگار بگمارد، از این جهت قلم رکن مهم آزادی افکار شمرده شده و نباید بر نویسندگان در حدود اجازه قوانین اساسی تضییق کرد.

آری پیشرفت جوامع بشری از برکت آزادی قلم است، در دنیای متحول کنونی که هر روز افتهای تازه ای در چشم انداز زندگانی اجتماعی و علمی و فکری انسان گشوده می شود و وقوع رویدادهای سیاسی تغییراتی دائم را در روابط ملتها و اوضاع

گفتیم، «آزادی فکر و عقیده، حق طبیعی هر انسان است» آزادی قلم و بیان نیز از لوازم لاینفک آن است. به این معنی: عرضه داشتن افکار مستلزم اینست که قلم و بیان انسان آزاد باشد تا بتواند هر آنچه را که به صلاح جامعه تشخیص داد، بگوید، یا بنویسد، زیرا اگر فکر، عرضه نشود و به زبان و قلم نیاید، آزادی فکر و عقیده مفهومی نخواهد داشت.

چه بسیار افکار بلند و پر ثمر، در اثر اختناق و نبودن آزادی با صاحبان خود به گور رفته و جهان بشریت از ثمرات آن محروم مانده است.

اجتماعی عالم پدید می آورد، نویسندگان در تنویر افکار عمومی و آشنا کردن مردم با حوادث تازه زمان و تعیین خط مشی آینده، نقش اساسی را ایفا می کنند.

بقول برخی از نویسندگان: «محبوبیت و حکومت واقعی از آن نویسندگان حقیقت گرا و فضیلت خواه و واقع بینی است که با انتقاد از نابسامانیهای جامعه خویش و مبارزه با فساد و تباهی، راه اصلاحات را می نمایند و با جانبداری از حق، در پاسداری منافع اجتماع می کوشند» (۱)

و به گفته یکی از فلاسفه معاصر: «غرض از ادبیات تلاش و مبارزه است، تلاش و مبارزه برای نیل به آگاهی، برای تعری حقیقت، برای آزادی انسان، از این روست که نویسندگان در مقابل عملی که انجام می دهند، مسئولند که برای چه می نویسند؟» (۲)

رسالت سنگین اهل قلم

نویسنده متعهد و مسئول در قبال جامعه خود رسالت سنگینی بعهده دارد و باید با تشخیص دردها و نابسامانیهای اجتماع، خواستها و آرمانهای انسانهای محروم را بیان کند و باموشکالی قلم رازگشائی نماید، تاریکهای جهل و خرافات را از فضای زندگی بشر بزداید و سطح معلومات معرفت

جامعه را بالا ببرد و زمینه تحولات اصلاحی را در محیط خویش فراهم سازد.

نویسنده متعهد و حقیقی، تکامل جامعه خویش را تسریع میکند و عدالت و فضائل انسانی را پاس میدهد و بارها کاری و ظلم و ستم و تمام زشتیها مبارزه می نماید و از حقوق توده های ستمدیده و مظلوم دفاع می کند و به تعبیر شاعر فرانسوی:

«... قدرت قلم متکی به حق و عدالت از هر اسلحه ای قویتر، تواناتر و برنده تر است» (۳)

آزادی قلم، عامل بقای قدرت سالم در حکومت است و هرگز حکومت سالم به جنگ اهل قلم نمی رود و در حکومت سالم شمشیر در مقابل «قلم» قرار نمی گیرد زیرا همینکه قلمها شکسته شد و زبان مردان حنک و حق شناس در دست حامیان «خنیاگری» قرار گرفت، بجای غلبه شرف و فضیلت، باطل و زدیلت رشد میکند، حق خرید و فروش میشود، انصاف و مروت در اختیار وقاحت و نامردی قرار می گیرد دلایل و شواهد فراوان وجود دارد که چنین جوامعی را اگر کوههای زرو و طلائی بی غش حمایت کند در قبال آتش نشان توپنده تاریخ برای مقاومت ندارد و چون دودی بره و خواهد رفت. چه بسا جوامعی که بر اثر رشد و رواج مدهائند و شخصیت پرستی از یکطرف و فشار و تعدی

(۱) این است موانع راه، صفحه ۱۱۳

(۲) ادبیات چیست؟ صفحه ۳۵ - ترجمه: نجفی و رحیمی

(۳) امیل زولا - رمان نویسنده مشهور فرانسوی

و ظلم از طرف دیگر ، متلاطم و منفجر
گردیده است .

آزادی برای نویسنده همانند

نفس کشیدن است .

برای نویسنده ، شرط ادامه حیات آزادی
است ، آیامی توان از نفس کشیدن کسی جلو
گیری کرد و توقع داشت که او زنده بماند
ولی نفس نکشد ؟ آزادی هم برای
نویسندگان همانند نفس کشیدن ،
شرط اصلی ادامه حیات آنان است .

پس قلم باید آزاد باشد البته آزادی در
مسیر سازندگی و بایدر جامعه آزادی به-
این معنی محترم و مقدس شمرده شود تا هر
کس بتواند هر فکر سازنده ای دارد آزادانه
بگوید و بنویسد و در جراند انتشار دهد ،
نقاط ضعف دولتها و نیازمندهای ملتها باید
بیان شود ، مطبوعات باید افشاگر نقش‌ها
همچون آینه در برابر زندگی روزانه جامعه
باشد ، روزنامه و جراید هر کشور باید
صحنه و نشان دادن و نمایش افکار مثبت
جامعه باشد .

مطبوعات باید از سانسورهای مستقیم
و غیر مستقیم در امان باشد بوسیله مطبوعات
است که روابط دولت‌ها با ملت‌ها تعدیل
می گردد زیرا دولت‌ها با قوانین اساسی و فرعی
با ملت‌های خود پیمان بسته اند و تذکره به -
تخلفات پیمان‌ها هم بعهده مطبوعات است .

نقش نویسندگان در شکوفایی انقلاب

مسلمانان نقش نویسندگان متعهد و مسئول
در شکوفایی انقلاب غیر قابل کتمان است چرا
که پیدایش روح انقلابی و مسلح شدن افراد
یک ملت با سلاح آگاهی و بینش جز از طریق
مطالعه و تعمق در آثار ارزنده و شور انگیز
نویسندگان مبارز و متعهد امکان پذیر نیست
با درک و دریافته این واقعیت که آگاهی و
شناخت حقایق زندگی اجتماعی ، در همه
حال ، پشتوانه و تکیه گاه قابل اعتماد و
مستحکم برای عصیان و برپائی در مقابل
اقتدار و استبداد بوده است به بیان روشنتر
پیدایش و ظهور شور انقلابی در افراد یک
جامعه گرفتار در تار و پود استبداد و خفقان ،
مستلزم یک حداقل آگاهی در زمینه شناخت
معیارهای متفاوت زندگی در اجتماعات
گوناگون انسانی است .

دریافت این حقیقت که مبارزه با قیودات
ضد مردمی در یک جامعه ، پس از وقوف به
ارزشهای آزادی است و این بدان معنی
است که طعم خوش آزادی را تنها پرنده-
ای میداند که تازه از قفس رنجیده باشد .

مسلم است که سهم نویسندگان مبارز
دو باروری ذهن و کمال اندیشه یک ملت فوق-
العاده ثمر بخش و سازنده و کتمان ناپذیر است
چرا که مطالعه و تخصص در آثار نویسندگان
در حکم چراغی است روشنائی بخش و

آگاهی‌دهنده که در عین قوت بخشیدن به روحیه انقلابی فرد ، ارزشهای راستین مبارزات آزادی خواهانه را در نزد افراد يك يك ملت بیدار و هشيار ، بروشنی جلوه گر می‌سازد .

انقلاب بزرگ و درخشان اسلامی ما برای انهدام و درهم کوبیدن کاخ پیدادگری و ظلم و جورطاغوت ، اگرچه حاصل يك قیام و ایستائی حق طلبانه از سوی مردم دلاور این سرزمین بوده ، اما درس پرده باید به جستجوی سرچشمه و بنیادگر از نخستین سنگ بنای «ایمان» در ذهن و روح این ملت پرداخت .

نویسندگان مبارز در پیدایش جهشهای انقلابی و دمیدن روح عصیان و اعتراض در جامعه سهم ارزشمندی دارند .

روال کار نویسندگان مادر دوران موحش و تاریک و استبداد خشن بهلوی این بود که همزمان با شدت یافتن کنترل ذهن نویسندگان و تقویت عقایدی که مراتب سهمناکتر از «انگیزسیون» قرون وسطائی اروپا بود .

جبر گرایش به «ادبیات استعاره‌ای» در ایران آغاز گردید و نویسندگان با خلق داستانهای و نوشتن نمایشنامه هائی ، از حقایق موحش زندگی و حیات گروهی بی- شمار از توده مردم محرومیت کشیده در جامعه زیر یوغ و استبداد و ستم ، پرده بر- داشتند ، با مطالعه این نوع داستانهای واقع گرایانه و شناخت هرچه بیشتر حقایق ،

روح نارضائی و عصیان در ذهن طبقات تحصیل کرده شدت یافت .

باید بر تمام آزادیها ، عدالت حکومت کند

آزادی قلم و بیان ، حق قانونی هر انسان است ولی شرط عمده در این باب آنستکه باید بر تمام آزادیها عدالت حکومت کند میزبان آزادی از کف داده نشود ، یعنی به آزادی و حیثیت غیر ، زبان نرسد و به حقوق دیگران به بهانه آزادی قلم و بیان تجاوز نگردد که هرگاه چنین شد به حکم قانون طبیعت و عکس- العمل هر عمل ، آزادی محدود خواهد گردید ، زیرا که آزادی نامحدود هرج و مرج است .

«منتسکیو» ، در کتاب «روح القوانین» می‌نویسد : «باید همیشه معنی آزادی را به خاطر بسپاریم ، آزادی به ماحق انجام دادن کارهائی را میدهد که قوانین مجاز دانسته‌اند .

يك نفر که قانون شکنی میکند خود را از آزادی محروم می‌سازد ، زیرا دیگران با همین اختیار هرج و مرج بوجود می‌آورند . «دیدرو» می‌گوید : آزادی داشتن این حق است که ما هر چیزی را که قانون اجازه میدهد انجام دهیم» .

اسلام که پاسدار حرمت آزادی است به پیروان خود اجازه داده هر کس هر فکری که دارد با اطمینان

بگویند و بنویسد در چاپ و نشر هر چه می خواهد آزاد است ولی بشرط اینکه نوشته ها و گفتارش خلاف واقع و دروغ و گمراه کننده و کفر نباشد و بحیثیت و شخصیت افراد انسانها لطمه وارد نسازد سانسور بر مطبوعات و انتشارات و نامه های پستی و تلفونها و تلگرافها و غیره بر خلاف شئون اخلاق انسانی و آزادی است که اسلام نیز آنرا نوعی تجسس میدانند که تجسس هم در اسلام حرام است . البته برای اینکه آزادی منجر به هرج و مرج نشود باید کارهایی را انجام دهیم که اسلام مجاز دانسته است .

اسلام ارزش و شرف «زبان» و «قلم» را در صداقت آن میدانند . در آن روایت معروف امام باقر (ع) میفرماید : «من اصغی الی ناطق فقد عبده» کسیکه به سخن ناطقی گوش کند او را پرستیده است . از این گفته برمی آید که انسان در گفتن و شنیدن چه مسئولیتی سنگین بعهده دارد ، در فرهنگ اسلام «قلم» و نوشتن آنقدر ارزش و اهمیت دارد که می توان به آن سوگند یاد کرد . خداوند در آغاز یکی از سوره های قرآن بقلم و نوشته سوگند

خورده «نوالقلم وما یسطرون» سوگند به نون و قلم و آنچه می نویسند «ن» را دو ات با مرکب معنی کرده اند (۱)

آری این تجلیل و تکریم قرآن از قلم و نویسندگی در زمانه ایست که در محیط وحی جزعه انگشت شمار اهل قلم وجود نداشت بلکه عربها قلم را حقیر می شمردند و نویسندگی را تحقیر میکردند آنچه در نظر آنها مقدس بود شمشیر و اسب بود نه نوشته و قلم .

بزرگترین نمودار ارزش مافوق تصویر اسلام به «قلم» میدهد آنستکه پیامبر اسلام در آن هنگام که هم هدفش بسیج توده بود و پیش از همه به «مجاهده» و «مبارزه» نیاز داشت نه بدانشمند و نویسنده ، اعلام میکند که :

«مداد العلماء افضل من دماء الشهداء»

مرکب قلم دانشمندان از خون شهیدان برتر است .

بدین ترتیب ، پیامبر در آن اجتماع بی قلم و پر شمشیر ، جامعه ای را بی می ریزد که «قلم» بر «شمشیر» ترجیح دارد و نظام اجتماعی آن بر آزادی بیان و قلم و تراوش فکر و اندیشه استوار است .

(۱) برای تفسیر این آیه به تفسیر مجمع البیان مراجعه شود

امیر مؤمنان می فرماید :

بن الله فرض علی الامة العدل ان یقدروا انفسهم بضعفة الناس (نهج البلاغه)

خداوند به پیشوایان دادگر مقرر فرموده است زندگانی خود را در حد

زندگانی افراد کم در آمد و ناتوان قرار دهند